

ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری

منبع: سایت زیتون، روز شنبه، مورخ: ۱۴۰۴/۱/۲۳

یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است؟

ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری

نیک می‌دانم کثیری از هموطنان عزیز، نظیر من، این روزها دلمشغول و دلنگران وضعیت مملکت‌اند و اخبار سیاسی را به دقت رصد می‌کنند. آرزو کنیم و امیدوارم باشیم مذاکره‌ای پایدار (مستقیم باشد یا غیر مستقیم فرقی نمی‌کند)، میان ایران و امریکا صورت بگیرد و از پی آن تحریم‌ها کمتر شود و رفته رفته به محاق رود؛ باشد که رونق و رشد اقتصادی به کشور باز گردد؛ امنیت معیشتی و روانی عموم شهروندان بیشتر شود و «خیر عمومی» افزایش یابد.

توافق درباره «مسئله‌ای هسته‌ای» شرط اول قدم و ضروری است؛ اما نه شرط کافی. بازیابی جدی در سیاست خارجی در راستای منافع ملی، تعامل با جامعه جهانی، قدم نهادن در ریل توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی... گام‌های بعدی است که اگر برداشته نشود، تغییرات محسوس و ماندگاری در کشور صورت نمی‌گیرد و وضع و حال شهروندان بهبود نمی‌یابد.

هر چند می‌شد این مذاکره سال‌ها پیش صورت بگیرد و کشور به مراتب کمتر دچار خسران و ضرر گردد و بسی زودتر سر و سامان بگیرد. از این حیث، هم افسوس و حیف می‌خوریم، هم بازخوانی انتقادی گذشته و سیاست‌های حاکمان در این میان بایسته و ضروری و رهگشاست و در جای خود پی‌گرفتنی؛ در عین حال، در حال حاضر وظیفه مدنی عموم میهن‌دوستان، به نزد من استقبال و حمایت از مذاکرات پیش‌روست.

روشن است که دو جماعت با تحقق مذاکرات سخت مخالف‌اند و از هیچ‌گونه سنگ‌اندازی در این میان فروگذار نمی‌کنند. یکی جنگ‌طلبان داخلی و کاسبان تحریمی که حفظ منافع و موقعیت کنونی آنها، قوبا در ادامه یافتن وضعیت موجود است؛ از حسین شریعتمداری که ترامپ را تهدید به ترور می‌کند گرفته تا جماعت پایداری چی که دلی در گروهی منافع ملت و مملکت ندارند و تنها در پی تحقق منافع و مطامع نامشروع و رهزن و دل‌آزار خویش‌اند.

دوم، جنگ طلبان خارجی که ادامه حیات سیاسی خود را سوگمندان در سخت تر و پیچیده تر شدن شدن فضای سیاسی داخل کشور به هر نحوی و فروپاشی به هر بهانه‌ای می‌بینند. و الا فهم این این مطلب هوش زیادی نمی‌خواهد که می‌توان هم منتقد جدی سیاست‌های نظام در حوزه‌های مختلف بود؛ در عین حال منتقد جدی جنگ هم بود و مشفقانه و دلسوزانه هشدار داد که بر طبل جنگ کوبیدن و دل خوش داشتن به حمله خارجی با محوریت ترامپ و ناتانیاهو، هیچ نسبتی با تحقق منافع ملی و بهروزی مردمان ندارد...

آرزو کنیم تیغ این دو جماعت کند شود و کارشکنی‌ها و شیطنت‌های آنها به جایی نرسد، که در غیر اینصورت درگیر جنگی می‌شویم که خانمان سوز است و نه از تاک، نشانی بر جای می‌گذارد و نه از «تاک نشان».

همچنین، آرزو کنیم زعمای قوم، تنها و تنها منافع ملی را در این میان در نظر بگیرند، مسئله را حیثیتی و ناموسی نکنند و حال که تابوی مذاکره شکسته شده یا به تعبیر بهتر مجبور به شکستن آن شده‌اند؛ خطاهای گذشته را تکرار نکنند، فرصت‌سوزی نکنند و از موضع پاسداشت منافع ملی و حفظ یکپارچگی سرزمینی، کار را به دست کاردانان بسپارند و مذاکره کنند، امتیاز بدهند و امتیاز بگیرند و مودب به آداب مذاکره باشند، به توافق برسند، که صلاح ملک و ملت در آن است:

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال